

پشت بوم

کاش وزارت فرهنگ دل بکند از جشنواره‌بازی



حسین هاشم‌پور

یک- کاش وزیر فرهنگ و رئیس سازمان سینمایی از خاطر نبرند چندبار مجبور شدند اعلام کنند در آرای داوران جشنواره فیلم فجر دخالت نکرده‌اند؛ دولتی که در سال نخست با بازگشایی خانه سینما دل سینماگران را ربود، در سال پایانی به بهانه چهار، پنج و شش و تلخ و شیرین‌شدن چند فیلم، آماج حملات سینماگران قرار گرفت... این یعنی دولت در مواجهه با یک جشنواره جای درستی نایستاده است؛ دولت باید در این چهار سال آرزوی برپایی جشنواره فیلم فجر از سوی بخش خصوصی یا نهاد مدنی مانند خانه سینما را محقق می‌کرد، به گمانم حتی همین سال نوبی که از راه می‌رسد بهترین فرصت برای جَوَلْ جانیاست. دو - چند روز پیش در اتفاقی کم‌سابقه، شش انجمن تجسمی باینه مشترکی دادند تا معلوم شود مشکل فقط سینما نیست، رویدادپروری دولت دیوار کجی است که تا ثریا کج پیلا خواهد رفت؛ در بند دوم این باینه جملاتی آمده که گویا درد دل تمام جامعه فرهنگ و هنر و نه‌فقط تجسمی است؛ «این سال‌ها، مدیریتِ دولتی هنر با فاصله‌گرفتن از انجمن‌های تجسمی، خود را از اندیشه، دانش و همکاری این مجموعه‌های تخصصی محروم کرده است. انجمن‌هایی که می‌توانند در برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی - هنری مشاورانی ارزشمند باشند...».

۲۸ دی، در همین ستون زیر تیتَر: «پیشی‌گرفتن کمیته فرهنگ از وزارت فرهنگ، نوشتم: «درحالی‌که حدود ۷۰ روز از تغییر وزیر فرهنگ می‌گذرد، تحولی که جامعه هنری توقع داشت برآورد نشده است، البته همه می‌دانند عرصه فرهنگ و هنر محصول زودبازده ندارد؛ اما آنچه این‌سال‌ها بر اهل هنر گذشت، صعه‌دره و طاقت‌ها را به شماره انداخته است.»».

دامنه‌دارشدن اعتراض‌های جامعه هنری ثابت می‌کند کاسه صبرها لبریز است؛ هنرمندان می‌اندیشند عهد رئیس‌جمهور برای واگذاری امور هنر به آنها، آن‌سان که باید سامان نیافته است؛ این اعتراض‌ها و گلايه‌ها ناظر به چنین تصویری است.

سه - دوم آذر در همین مجال زیر تیتَر: «آزمون بزرگ وزارت فرهنگ، نوشتم: «وقتی پرسپولیس و استقلال بعد از چندین ماه خیرسازي، سرانجام دولتی ماندند و به بخش خصوصی واگذار نشدند، نبود اعتماد به بخش خصوصی در سیستم تصمیم‌سازی کشور یادآوری شد...». برخورد وزارت فرهنگ با جشنواره‌ها به‌خصوص فجر، مشابه برخورد وزارت ورزش با دو تیم قرمز و آبی است؛ حال آنکه به شهادت همه این چهار دهه، گره‌زدن موفقیت دولت با توفیق یا عدم توفیق فلان بی‌پنل یا جشنواره جز باخت هیچ آزوده‌ای برای دولت ندارد.

تصور عمومی این بود که دولت یازدهم با شعار دولت فرهنگی و رهییز از فرهنگ دولتی خواهد توانست نهادهای عمومی و صنفی در امر هنر ا قدرت بخشد و یک‌بار برای همیشه با رویدادپروری و برگزاری جشنواره‌ها خداحافظی کند؛ هم نام نیکی از خودش به‌جا می‌گذاشت و هم قدمی به‌سوی استقلال هنر برمی‌داشت که دولت‌های بعدی هم نتوانند به آن تعدی کنند.

اما اعتراض‌ها نشان می‌دهد سیستم بوروکراسی عریض‌وطوبلی که چهار دهه است بر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حکم‌فرمایی می‌کند توانست همه ایدۀ‌ال‌طلبی‌ها را ناکام بگذارد. کم‌ترین کارکرد این‌گونه سیستم‌های دیوان‌سالار تاریخ‌مصرف‌گذشته، کشتن ایدۀ‌ال‌طلبی‌ها و نادیده‌انگاشتن نیازهای روز است که بار دیگر توانایی بالای خود را به رخ کشید.

یاد شاعر

پس از ۹ سال کما

احمد عزیزی درگذشت

● احمد عزیزی که ۹ سال پیش در چنین روزهایی به کما رفته بود، دوشنبه ۱۶ اسفند از دنیا رفت. زینب عزیزی، خواهر احمد عزیزی در گفت‌وگو با «مهر»، تأیید درگذشت برادرش در بیمارستان امام‌رضاع(شهر کرمانشاه، درباره برنامه‌های تشییع این شاعر آیینی گفت: پیکر احمد قرار است در سردخانه بیمارستان قرار بگیرد تا برای برنامه‌های بعدی تشییع و تدفین تصمیم‌گیری شود. احمد عزیزی، شاعر انقلاب که ۱۵ اسفند ۹۵، وارد نهمین سال بودنش در وضعیت کما شده بود، به دلیل ابتلا روده، تحت یک عمل جراحی ناگهانی قرار گرفت و امروز به دلیل عوارض پیش‌آمده، درگذشت. این شاعر اهل بیت(ع) از ۱۵ اسفند ۸۶ به دلیل کاهش سطح هوشیاری ناشی از تشنج، بیماری قلبی و کلیوی به کما رفت و از همان زمان تاکنون در بیمارستان امام رضا (ع) کرمانشاه تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی قرار داشت، که نامش در مراسم تشییع و تدفین بود. احمد عزیزی در چهارم دی ۱۳۳۷ در سرپل ذهاب کرمانشاه به دنیا آمد. این شاعر انقلابی سرودن شعر را از سال‌های جوانی با مجله جوانان آغاز کرد. عزیزی آثار شعر و نثر ادبی متعددی دارد و شاعری با سبکی منحصربه‌فرد است که این سبک به صورت مثنوی در «گش‌های مکاشفه» جلوه کرده است.

«ایوبی» با تکذیب استعفای خود

در دفترم مشغول کار هستم



شرق: سازمان سینمایی خبر استعفا یا برکناری حجت‌الله ایوبی را رسماً تکذیب کرد. روز گذشته قرار بود ایوبی در رونمایی از مجموعه‌عکس‌های متحرک سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر حضور یابد که حضورنیافتن او در این مراسم باعث ایجاد شایعاتی در رسانه‌ها شد. یکی از خبرگزاری‌ها اعلام کرد حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی دولت یازدهم، از سمت خود استعفا داده است. برخی خبرها هم حکایت از آن داشت که رئیس سازمان سینمایی از سمت خود برکنار شده. خبرگزاری مهر گزارش کرد محمدمهدی حیدریان (مشاور عالی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) از سوی سیدرضا صالحی‌امیری به‌عنوان سرپرست سازمان سینمایی منصوب شده؛ بااین‌حال رئیس سازمان سینمایی در گفت‌وگو با فارس این خبر را تکذیب کرد و گفت: «با جدیت پیگیری انجام امور سینمایی و در دفتر مشغول به کار هستم. درهمین‌حال خبرگزاری «سینیم» که این موضوع را از مقامات وزارت ارشاد پیگیری کرده بود،

جهانی فجر نتیجه‌گیری کند.

هنر

در پی شکایت مدیر کل ارشاد استان صورت گرفت

حمایت هنرمندان هرمزگان از «پشت‌کوهی»



شرق: جامعه هنرمندان هرمزگان در حمایت از ابراهیم پشت‌کوهی، یادداشتی در قالب نامه به حسن روحانی، رئیس‌جمهور، نوشته‌اند که در بخشی از آن می‌خوانید: «در روزهایی که هنرمند بزرگ ما ـ اصغر فرهادی ـ با بردن جایزه اسکار افتخارآفرین می‌شود و در همان مراسم در پیامی محکم به نقد رفتار دیکتاتورانه ترامپ می‌پردازد و تمام رسانه‌های دنیا آن را پوشش می‌دهند، یک مدیر میانی در دولت شما تحمل انتقاد در فضای مجازی را ندارد و با شکایت از نخبه‌های جامعه، کام هنرمندان را رفتار خودسرانه و تک‌صدایی خود تلخ می‌کند. ابراهیم پشت‌کوهی هنرمند سرشناس تئاتر کشورما که به رغم دعوت برای کار در کشورهای دیگر، در ایران و هرمزگان مانده، از عملکرد ضعیف و ناتوانی مدیریتتی مدیر کل ارشاد هرمزگان انتقاد می‌کند و این مدیر به‌جای رفع و رجوع کاستی‌های مدیریتی، اقدام به شکایت از این هنرمند می‌کند! رفتاری که حتی مدیران دوره احمدی‌نژاد نیز از آن پرهیز می‌کردند».

انتقاد از عملکرد اداره کل ارشاد این استان شکایت کرد. پشت‌کوهی و گروه تئاتر «تی‌تووک» بهمن امسال برای اجرای نمایش «مکبث‌زار» یا «تنها سگ

اولی می‌داند که چرا پارس می‌کند مکبث» سفری به آلمان داشتند و در دومین جشنواره تئاتر مونیخ این نمایش را روی صحنه بردن که با استقبال تماشاگران آلمانی روبه‌رو شد. با وجود استقبال از این گروه در مونیخ، اداره کل ارشاد استان هرمزگان به موفقیت این گروه توجهی نداشت و ازهمین‌رو ابراهیم پشت‌کوهی به انتقاد از این اداره پرداخته که نتیجه آن شکایت مدیر کل ارشاد هرمزگان از پشت‌کوهی بوده است. ازاین‌رو، جمعی از هنرمندان استان هرمزگان در واکنش به شکایت

علیرضا تابش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، ضمن تبریک به اعضای جدید هیئت‌مدیره خانه

سینما در پیامی نوشت: « بنیاد سینمایی فارابی به‌عنوان حامی و همراه سینمای حرفه‌ای، همچون گذشته و با عنایت به توان و بضاعت خویش، آمادگی هرگونه تعامل فرهنگی را اعلام می‌دارد».

پیامی مثبت برای مستندسازان

یک مستندساز در واکنش به انتخابات اخیر هیئت‌مدیره خانه سینما نوشت: «رای بالا و قاطع مجمع عمومی خانه سینما به مرتضی زراق‌کریمی، پیام مهمی به سینمای کشور داشت». سعید نیز در متنی که ایستا منتشر کرد، نوشت:«پس از برگزاری مجمع عمومی خانه سینما، نقطه عطفی در تاریخ سینمای کشور رقم خورد که نشان از یک بلوغ جمعی و دموکراتیک بود، بلوغی که مستقل‌بودن در انتخاب در آن موج می‌زد و تفکر و نظام تصمیم‌گیری از پایین‌مستل حرفه‌ای اصناف خودش را به راس هرم آن که همان حیثیت، جایگاه و هویت خانه سینماست تحمیل کرد.

همچنین به زعم بسیاری امروز یک نقطه عطف در تاریخ سینمای مستند هم هست که نماینده‌اش با کسب بیش از دوسوم آرای مجمع آن هم با اختلاف چشمگیر نسبت به نفر بعد از خود (با حفظ احترام به ایشان) حقانیتش را یک‌بار دیگر اثبات کرد و ثابت نمود همان‌طور که در ورزش جهان، دوومیدانی ستون و پایه است، در سینما و تفکر جمعی سینماگران نیز سینمای مستند نقش محوری، اساسی و بنیادی دارد».

پیگیری امور صنفی مواجه شویم. البته بدیهی

است که هرچه هیئت‌مدیره قوی‌تر باشد، در احقاق حقوق صنفی جامعه سینمایی حرکت‌های بهتری

در حال وقوع باشد و همچنین استقلال در رویکرد

و عملکرد نیز یکی از دلایل دیگر برای ایجاد فضایی

فعال‌تر خواهد بود. یکی دیگر از احتمالات فعلی

این است که معتمدآریا که بالاترین رای را آورده،

رئیس هیئت‌مدیره شود که این اتفاق هم در نوع

خود می‌تواند تازه باشد.

تهیه‌کننده «قاتل اهلی» همچنان خواهان حکمیت

نامه‌نگاری‌های «لشگری قوچانی» ادامه دارد



فرشید

صحبت‌های آقای کیمیایی و شادمانی سینما، ضمن احترام به نظرات ایشان، همان‌گونه که بارها اعلام کرده‌ام، دغدغه اصلی این‌جانب یک فیلم خوب، حداقل براساس استانداردهای سینمای ایران بوده و هست. بنابراین آمادگی دارم تا هرکسی توسط ایشان معرفی و اداره کل نظارت و ارزشیابی تأیید نمایند، وظیفه تهیه‌کنندگی فیلم را با احتساب هزینه‌های انجام‌شده و گذار کنیم تا دغدغه‌های آقای کیمیایی را مرتفع نمایم. لشگری‌قوچانی همچنین درباره پیگیری‌های بعدی خود درباره فیلم «قاتل اهلی» به «شرق» گفت: «بااین‌حال هشتم اسفندماه هم نامه‌ای خطاب به شورای‌عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران نوشتم و در آن مسائل و مشکلات این پروژه را متذکر شدم».

متن نامه تهیه‌کننده فیلم «قاتل اهلی» به این شرح است: «اعضای محترم شورای‌عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران، با سلام و احترام. ضمن تشکر و قدردانی به استحضار می‌رساند:

۱- مطابق ضوابط و قوانین در خانواده سینما، برای رفع اختلافات به خانه سینما مراجعه کردم و متأسفانه بعد از چهار ماه نامه‌نگاری و انتظار، آقای کیمیایی حکمیت خانه سینما را نپذیرفتند و خسارت معنوی بزرگی به فیلم «قاتل اهلی» در جشنواره فیلم فجر وارد ساختند و ضمن معذرت‌خواهی از اعضای محترم خانه سینما و هنرمندان

زیر آسمان فیروزهای

پیمان سلطانی «خیام‌خوانی» را منتشر کرد

یک آلبوم با ۳۴ خواننده



● شرق: آلبوم موسیقی «خیام‌خوانی» به آهنگ‌سازی پیمان سلطانی مشتمل بر دو لوح فشرده، حضور ۳۴ خواننده مطرح موسیقی ایرانی، همکاری ارکستر فیلارمونیک ارمنستان و همراهی نوازندگان ایرانی از سوی مؤسسه «رهگذر هفت اقلیم» منتشر شد. از همین مؤلف قبلاً نظامی‌خوانی با عنوان «گفت و شنید» و سعدی‌خوانی با عنوان «وَشَن» منتشر شده است. ضمن اینکه آثاری چون «رودکی‌خوانی» و «ابوسعیدخوانی» در مراحل پیش از ضبط است. پیمان سلطانی در توضیح این آلبوم آورده است: «خیام‌خوانی ترکیب جامعی است از آواز و خوانش رباعیات عمر خیام و اجرای دو اثر موسیقایی که برای ارکستر سمفونیک و ارکستر سازهای ملی نوشته شده است. این اثر با نگاهی به غلام فیلسوف و خیام شاعر آفریده شده است. من در انتخاب ۵۵ رباعی این مجموعه نسخه‌های گوناگونی چون ادوارد فیتز‌جرالد، آرتور کریستن‌سن، ابوالقاسم اعتصام‌زاده، صادق هدایت، محمدعلی فروغی، قاسم غنی، غلامه قزوینی، جلال‌الدین همایی، احمد شاملو، حسن دانشگر، جهانگیر منصور، فردین مهرشیروانی، حسن شایگان، نسا حمزه‌زاده و غلامحسین مراقبی را

بازبینی و مقابله کرده‌ام. از این میان ۳۴ رباعی از سوی خوانندگان موسیقی ایرانی، با همراهی یک‌ساز در فرم آواز دستگاهی اجرا شده است. دو‌ارکستر از کشور ارمنستان و ایران نیز به اجرای دو قطعه «خیام هست و نیست» و «خیام ترانه‌ها» پرداخته‌اند و در نتیجه هر اجراکننده‌ای در این مجموعه، خود، خیامی دیگر شده است.

بی‌تردید شاعران بسیاری در سرودن این هزارواندی رباعی نقش داشته‌اند که اشعار خویش را به دلایی بی‌شمار به او نسبت داده‌اند و برای خوانندگان، خیامی را به تصویر کشیده‌اند با افکاری گوناگون و نگاهی متفاوت. تعداد بی‌شمار این رباعی‌سرایان من را بران داشت ۳۴ آوازخوان را برای بیان افکار و لحن‌های مختلف برگزینم که هر یک جامه‌ای از نو و دیگرگون از خیام بر تن کرده‌اند.

زیبایی‌های نهفته در رباعیات خیام و آنچه منسوب به اوست، اگرچه در مواردی با تفکرات خیام فیلسوف هم‌خوانی ندارد، اما چنان تحسین‌برانگیز و تأثیرگذارند که مخاطب را مبهوت و شیفته خود می‌کنند. تعداد رباعیات منسوب به او بسیار زیاد است و مشکل می‌توان گزیده‌ای درخ‌ور تفکرات خیام منجم، ریاضی‌دان، فیلسوف و شاعر برگزید. ازاین‌رو آنچه در این اثر می‌شنوید تنها نمایانگر بخشی از خیام بزرگ است».

این آلبوم در قالب دو لوح فشرده با عنوان‌های «خیام هست و نیست» و «خیام ترانه‌ها» به آهنگ‌سازی پیمان سلطانی و همراهی ارکستر فیلارمونیک ارمنستان منتشر شده است. همچنین آثاری از هنرهای تجسمی شامل نقاشی، خوشنویسی و عکس از هنرمندانی چون مهدی اکبری، یازتا یاران، رضا متونی‌اد، آرش معصومی، محمد متونی، رضا ابوطالبیان، اسرافیل شیرچی، محمد میرزایی، رضا شیخ‌محمدی، علی قرطاسی و احمد مازادی ضمیمه این آلبوم است.خوانش اشعار نیز از سوی پیمان سلطانی انجام شده است. نشر دوم این مجموعه چند ماه دیگر به‌همراه کتابی نفیس از رباعیات خیام به سه زبان در یک پکیج به‌همراه دو لوح فشرده انتشار می‌یابد. مراسم رونمایی از آلبوم «خیام‌خوانی» ساعت ۱۷ روزه جمعه، ۲۰ اسفند در تالار فرخی‌یزدی باغ‌موزه قصر تهران برگزار می‌شود. ورود برای عموم آزاد است.

ادامه از صفحه ۹

اولین گزارش شبه‌مستند از تراژدی پناه‌جویی در قرن بیست‌ویکم

از این‌منظر نیز، نمایش «مانوس» به خاطر نحوه اجرای تئاتریکال اکثر بازیگران مرد آن، به‌خصوص احسان کرمی از ویژگی‌های یک تئاتر مستند به‌نفع یک نمایش ملودراماتیک فاصله می‌گیرد و بازی درست و غیرتئاتریکال بازیگران زن نمایش که موفق به حفظ فاصله از نقش می‌شوند نیز نمی‌تواند نمایش را از غلتیدن به ورطه ملودرام نجات دهد. با وجود این‌ اما، «مانوس» را به‌خاطر برخی ویژگی‌های درخشانش، ازجمله میزانسن‌ها، فضاسازی‌ها و تصویرپردازی‌های فوق‌العاده و تکان‌دهنده‌ش هنوز هم می‌توان در چارچوب هرچند گسترده روایت‌شده توسط قربانیان نداشتند و تا حد ممکن کوشیده است، ضمن رعایت فاصله با روایت‌ها، از طریق برخی اشارات هرچند گرا و نه چندان برجسته، توجه مخاطبان خود را به ریشه‌ها و زمینه‌های اجتماعی وقوع این‌ فاجعه بزرگ انسانی جلب کند.